

Research Article

The Transformation of National Security Discourses in the Islamic Republic of Iran*

Dvood Bakhshaei¹, MohsenGholipour²

¹ Instructor, Department of maaref, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran (**Corresponding Author**).
d.bakhshaei@gmail.com

² PhD. Student in Political Science, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. gholipourmohsen69@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to investigate the transformation of national security discourses in the Islamic Republic of Iran. Using descriptive analysis, this research study aims to critically explore the existing theories in this regard and come up with a new model to analyze the course of change in national security discourses in the Islamic Republic of Iran. In this regard, this perspective is emphasized that we have always witnessed the presence of two rival discourses in the realm of politics and among the elites such that the course of discourse change cannot be analyzed in a single developmental path. The two rival discourses have been classified by some into either traditional-modern or revolutionary-national. However, the analysis of them indicates that they can be regarded as either identity-oriented or development-oriented. In reality and practical form, development in the Islamic Republic of Iran has always been categorized within the arguments and measures of the two security discourses mentioned above so that it has led to opposite ideas and incongruous policy making to achieve long term security and developmental objectives in the Islamic Republic of Iran. Because of this, one of the main features of national security issues in the Islamic Republic of Iran is lack of common consensus among the elites on the concept of national security, security policies, threats, and vulnerabilities causing crisis at the time of two aforementioned discourses' domination.

Keywords: National Security Discourses, Islamic Republic of Iran, Development, Identity-Oriented Security Discourse, Development-Oriented Security Discourse.

-
1. **The present study is taken from:** Master Thesis, Entitled: **The Impact of National Security Discourses on Development Plans in the Islamic Republic of Iran**, Student: Mohsen Gholipour, Supervisor: Dr. Reza Khalili, Department: Political Science, Faculty: Law and Political Science, Kharazmi University Tehran, presented in February 2016.

* **Received:** 2020/09/15 ; **Accepted:** 2020/12/08

** Copyright © the authors

تحول گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران^۱

داود بخشایی^۱، محسن قلی‌پور^۲

^۱ مربی، گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول). d.bakhshaei@gmail.com
^۲ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. gholipourmohsen69@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تحول گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا و با روش توصیفی و تحلیلی، این پژوهش ضمن بررسی و نقد نظریات موجود، با ارائه مدل جدیدی برای تحلیل تحولات گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران بر این دیدگاه تاکید می‌نماید که همواره شاهد حضور دو گفتمان رقیب در عرصه سیاسی و در میان نخبگان بوده‌ایم. به طوری که نمی‌توان سیر این تحولات گفتمانی را در یک مسیر تکاملی و رو به رشد تحلیل کرد. این دو گفتمان رقیب توسط برخی تحت عناوینی چون سنتی- نوین یا انقلابی- ملی دسته‌بندی شده‌اند. ولی تحلیل دو گفتمان مذکور نشان‌دهنده آن است که دال محوری آنها را می‌توان دو مفهوم هویت‌گرایی و توسعه‌گرایی دانست. در صحنه واقعیت و عمل نیز در جمهوری اسلامی ایران همواره توسعه در ذیل مباحثات و اقدامات دو گفتمان امنیتی قرار گرفته است، به طوری که باعث مواضع متضاد و سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ در جهت نیل به اهداف بلندمدت امنیتی و توسعه‌ای در جمهوری اسلامی شده است. به همین دلیل یکی از مشخصه‌های اصلی مسائل امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فقدان اجماع عمومی بین نخبگان در مورد مفهوم امنیت ملی، سیاست‌های امنیتی، تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها است که موجب بروز بحران در هنگام حاکمیت هر دو گفتمان رقیب شده است.

کلیدواژه‌ها: گفتمان‌های امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، توسعه، گفتمان امنیتی هویت‌گرا، گفتمان امنیتی توسعه‌گرا.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان: تاثیر گفتمان‌های امنیت ملی بر برنامه‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران، دانشجو: محسن قلی‌پور، استاد راهنما: دکتر رضا خلیلی، گروه: علوم سیاسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران، ارائه شده در بهمن ۱۳۹۷ است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

۱. مقدمه

گرچه روش تحلیل گفتمان خود به نوعی امکان نگرش متکثر به موضوع مورد تحلیل را با توجه به زاویه نگرش محقق فراهم می‌آورد، ولی باید توجه داشت که این روش به صورت کلی در پی کشف رگه‌های تعصبات اعتقادی در متون بوده و کوششی علمی برای تحلیل واقعیت‌ها است (ویدسون، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). لذا، باید در این مسیر به‌کارگیری اصول لازم در جهت تحلیل دقیق‌تر را برای به دست دادن چارچوب نظری کارآتری در جهت تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی مورد توجه داشت. با توجه به این موارد و با نگاهی به نظریات موجود در خصوص تحولات گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران از جمله نظریه بسط-رشد و حفظ‌محور (حجاریان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۸-۷۱)، نظریه تحدید- تثبیت و تکثر (افتخاری، ۱۳۷۸، ص ۴۳)، نظریه سنتی مدرن (رنجبر، ۱۳۷۹، ص ۹۰-۷۶)، سنتی-فراستنی-مدرن- فرامدرن (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۵-۳۹۸) و نظریه حاکمیت مردم (میرمحمدی، ۱۳۹۴، ص ۸۴-۵۷)، می‌توان گفت که در نظریات مطرح شده، به مبانی تحلیل گفتمان توجه جدی صورت نگرفته و عمدتاً به تحلیل ذهنی بسنده شده است و در نتیجه با توجه به عدم ارائه نظریه‌ای دقیق، امکان تحلیل کاربردی مسائل، دور از دسترس می‌باشد. لذا، در پژوهش پیش‌رو ابتدا به طرح دقیق این نظریات خواهیم پرداخت و با نقد آنها و همچنین تحلیل گفتمان شخصیت‌های تاثیرگذار و برجسته در صحنه سیاسی جمهوری اسلامی ایران، سعی می‌نماییم به چارچوب دقیق‌تری برای تحولات گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران نائل شویم. بر این اساس با شناسایی دال‌های محوری هویت و توسعه در گفتمان‌های موجود بر این فرضیه تاکید می‌نماییم که در جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون دو گفتمان امنیتی هویت‌گرا و توسعه‌گرا مطرح بوده است، به طوری که به دلیل ساختار سیاسی و نهادی موجود، هیچ‌کدام نتوانسته‌اند به عنوان گفتمان مسلط امنیت ملی تبدیل شوند.

۲. امنیت جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی و نقد گفتمان‌های موجود

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، گفتمان امنیتی جدیدی در ایران شکل گرفت که با وجود تفاوت با گفتمان امنیتی قبل از انقلاب، خود نیز در مسیر تکامل به خرده گفتمان‌های مختلف تبدیل شد. برای درک درست و کامل از این تحولات گفتمانی در ادامه ابتدا به بررسی

تقسیم‌بندی‌های گفتمانی از دیدگاه اندیشمندان و پژوهشگران این حوزه می‌پردازیم و سپس با نقد و بررسی آنها زمینه را برای ارائه یک چارچوب گفتمانی جدید فراهم می‌کنیم.

۲-۱. گفتمان بسط - حفظ - رشد محور

در این تقسیم‌بندی گفتمان‌های امنیت ملی در سه دوره، یعنی از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ (بسط محور)، از شروع تا پایان جنگ (حفظ محور) و پس از اتمام جنگ و با روی کار آمدن دولت سازندگی (رشد محور) مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، گفتمان بسط محور هم‌زمان با انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. این گفتمان عموماً حاصل دیدگاه‌ها و عملکرد انقلابیون مذهبی می‌باشد که با وارد کردن معیارهای ایدئولوژیک در ملاحظات امنیتی، بر مرزهای ایدئولوژیک به جای مرزهای جغرافیایی تاکید دارند و هدف استراتژیک آنها گسترش و صدور انقلاب است (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۱). این گفتمان از سطح توجه به حوزه ضروریات که شامل امنیت اولیه نظام است گذشته و پای در حوزه اصالت‌ها می‌گذارد و تفسیر بسیار وسیعی از امنیت را در نظر دارد؛ به شکلی که حریم امنیتی ایران دارای ابعادی عمدتاً فراملی و وسیع است و دیگر صرفاً معطوف به منافع ملی و مادی نیست. هرچند پیگیری اهداف فوق کاملاً مرتبط با منافع و امنیت ملی و هماهنگ با آن دانسته می‌شود، اما پیوند دهنده امنیت ایران با امنیت کل جهان اسلام است (ولی‌پور زرومی، ۱۳۷۷، ص ۵۷-۴۹). به طوری که امنیت ملی در راستای امنیت امت قرار داده می‌شود. بر همین اساس برخی معتقدند که در دوره بسط‌محوری اصولاً نمی‌توان از امنیت ملی بحث کرد، بلکه در این دوره اولویت اصلی، امنیت جهان اسلام است (رنجبر، ۱۳۷۹، ص ۶۶).

با شروع جنگ و با فاصله گرفتن از رویکرد بسط محور شاهد شکل‌گیری گفتمان حفظ محور هستیم. گرچه در این دوره به رغم محدود شدن دایره معضلات اساسی امنیت کشور به موضوع جنگ و مسائل ناشی از آن همچنان شاهد تداوم و حتی تشدید برخی از ملاحظات انقلابی هستیم، اما ویژگی‌های ایدئولوژیک و پویایی و فعال بودن که در گفتمان بسط محور مشهود بود، در این دوره نیز بر ملاحظات امنیت ملی اثرگذار می‌باشد (حجاریان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۰۰-۲۸۲). در دوره گفتمانی حفظ محور، نظام به دلیل روبرو شدن با یک تهدید کاملاً عینی و فیزیکی، مجبور به قبول پاره‌ای از تحولات و سیاست‌هایی

شد که بتواند به این مبارزه طلبی خارجی پاسخگو باشد، بدون آنکه به اهداف آرمانی انقلاب در ذات خود ارزش کمتری داده شده باشد (ولی‌پور زرومی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۳). در این دوره به علت وقوع جنگ با عراق، مساله حفظ نظام و مرزهای کشور به اولویت اصلی کشور در مسائل امنیتی تبدیل شد و در پرتو چنین ملاحظات تئوری ام‌القری مطرح گردید که بر مبنای آن بر اولویت حفظ کشور به عنوان ام‌القرای کشورهای اسلامی تاکید شد. به این ترتیب حفظ نظام جمهوری اسلامی هدف اصلی این گفتمان امنیتی شد و مفهوم امنیت نظام، جایگزین سایر مفاهیم امنیتی گردید (رحیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۳).

با پایان جنگ و نیاز مبرم کشور به پیگیری مسائل توسعه، شاهد بروز گفتمان رشد محور هستیم. به گونه‌ای که بر مبنای آن الگوی موفق توسعه ملی، الگوی موفق تأمین امنیت ملی هم خواهد بود (رنجبر، ۱۳۷۹، ص ۶۷). ترمیم خسارات جنگ تحمیلی، اولویت امنیت اقتصادی، محوریت رشد و توسعه اقتصادی و استوار ساختن توانایی‌های ملی از جمله مسائلی است که در دوران جدید مورد تأکید دولت و جامعه ایران قرار گرفت (ولی‌پور زرومی، ۱۳۷۷، ص ۳۸۵). در نهایت از این منظر آنچه تقریباً در هر سه گفتمان یاد شده وجود داشته، غلبه هژمونیک یک پارامتر امنیتی شامل انقلاب، جنگ و توسعه اقتصادی و سیاسی بر سایر ملاحظات امنیتی کشور بوده است.

۲-۲. گفتمان تحدید- تثبیت- تکثیر

این الگو به نحوه ارتباط امنیت داخلی با رقابت سیاسی و تحلیل سیاست‌گذاری حکومت اسلامی در ادوار سه‌گانه تاریخ انقلاب، یعنی سه دوره تأسیس، استقرار و توسعه پرداخته است و با بیان سه رابطه ممکن برای ارتباط دو متغیر امنیت و رقابت سیاسی، یعنی رابطه مستقیم، یک‌سویه و معکوس، معتقد است، انقلاب اسلامی از حیث شکل‌گیری گفتمان‌های امنیتی سیری تکاملی را پیموده و در آن از انقباض سیاسی به بسط فضای رقابت، برای تأمین امنیت رسیده است. به طوری که به خاطر وجود شرایط ناآرام و حساس اوایل پیروزی انقلاب، امام خمینی برای صیانت از انقلاب و حکومت اسلامی از الگوی تحدید استفاده کرد و دولت برای تأمین امنیت سعی در محدود ساختن فعالیت‌های سیاسی و از آن جمله محدود ساختن اصل رقابت نمود. چراکه با پیروزی انقلاب اسلامی، کشور در شرایط ویژه‌ای قرار گرفت که اقتضای آن مطابق منطق حاکم بر کلیه انقلاب‌ها،

انقباض عرصه فعالیت‌های سیاسی برای نیل به انسجام سیاسی در راستای تثبیت مبانی انقلاب بود.

مطابق این الگو برای پاسداری از امنیت جامعه باید رقابت‌های سیاسی محدود شود تا انقلاب بتواند مبانی خود را استوار ساخته و در عرصه داخلی و خارجی مطرح گردد. بدین ترتیب امام خمینی در این دوره بیش از هر موضوع دیگری در پی ایجاد وحدت و خارج کردن گروه‌های تهدیدکننده موجودیت و هستی انقلاب از صحنه بود. در ادامه با پایان جنگ، رابطه معکوس امنیت و رقابت در کشور متوقف گردید و زمینه مناسب برای ورود به دوره‌ای تازه مهیاء شد که در آن دولت هاشمی الگوی تثبیت را به اجرا گذاشت و هدف از این راهبرد ایجاد بستر مناسب برای جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی و در نتیجه توسعه اقتصادی بود. بدین ترتیب در این دوره شاهد تلاش دولت برای ثابت نگاه داشتن سطح گروه‌بندی‌ها و جناح‌ها در کشور، نزدیک کردن هرچه بیشتر آنها به یکدیگر، محدودیت تعداد نشریات و جراید دارای دیدگاه‌های انتقادی یا مخالف می‌باشیم. در دولت خاتمی، تجربه دو دهه حکومت و تلاش پیگیر برای استقرار جمهوری اسلامی و استوار ساختن مبانی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن، در نهایت منجر به اصلاح رابطه امنیت و رقابت در کشور شد و این الگو به نفع توسعه سیاسی تغییر کرد و رابطه‌ای مستقیم بین دو مقوله امنیت و رقابت برقرار گردید. در این شرایط دولت با این فرض که گسترش رقابت سیاسی سالم منجر به تثبیت مبانی امنیت داخلی خواهد شد، توسعه سیاسی را در اولویت قرار داد (افتخاری، ۱۳۷۸، ص ۵۲-۱۹).

۲-۳. گفتمان سنتی - مدرن

با توجه به این دیدگاه طی بیست سال اول انقلاب اسلامی، اساساً شکاف گفتمانی رخ نداده است، بلکه در این دوران شاهد تحولات مقطعی به دلیل ضرورت‌های سیاسی بوده‌ایم؛ چرا که در این نگاه شکاف گفتمانی شکافی است که موجب تحول در مبانی فکری و نظری سیاست‌های امنیتی می‌شود. بنابراین، گفتمان سنتی یا ایدئولوژیک دربردارنده سه خرده گفتمان، گفتمان بسط، حفظ و رشد محور می‌باشد و پس از ظهور آقای خاتمی شاهد شکل‌گیری گفتمان نوین در مقابل گفتمان سنتی هستیم. این در حالی است که دو گفتمان سنتی و نوین که در درون حاکمیت قرار دارند، برخی مواقع یکدیگر را

دشمن تلقی می‌کنند و بروز بحران در هنگام حاکمیت دو گفتمان، به دلیل شکاف‌های موجود بین آنها است (رنجبر، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶).

برخی این شکاف گفتمانی را در مورد امنیت جمهوری اسلامی ایران در قالب دو گفتمان انقلابی و ملی تعبیر نموده‌اند، به طوری که گفتمان انقلابی و امت‌محور از ابتدای انقلاب اسلامی تا دوره آقای هاشمی و رویکرد ملی یا قلمرومحور بعد از دوره ایشان شکل گرفته و غلبه یافته است. در گفتمان انقلابی حوزه اصالت‌های نظام تا حد زیادی جایگزین حوزه الزامات نظام شده است تا جایی که تحقق این اصالت‌ها توسط دستگاه دیپلماسی در بیرون از مرزهای ملی همانند امنیت و ضرورت‌های نظام تلقی می‌شود. در مقابل، گفتمان ملی امنیت تلاش خود را بر محور توسعه اقتصادی قرار داده و امنیت را نتیجه طبیعی توسعه قلمداد نموده است (زارعی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۶۴-۴۵).

گرچه این تقسیم‌بندی دوگانه از گفتمان‌های امنیتی جمهوری اسلامی مناسب است و قدرت تبیین بیشتری برای تحولات معاصر دارد، ولی تقسیم‌بندی‌های سنتی - نوین یا انقلابی - ملی به روشنی بیان‌کننده اهداف و درون‌مایه‌های اصلی دو گفتمان مذکور نیست و در این راستا نیازمند شناسایی دال‌های مرکزی آنها خواهیم بود. همچنین لازم به ذکر است که اساساً رویکرد امنیتی دوران سازندگی را نمی‌توان در ادامه رویکرد امنیتی دوران جنگ در نظر گرفت.

۲-۴. گفتمان سنتی - فراسنتی - مدرن - فرامدرن

چارچوب تحلیلی این الگو بر مبنای تحول تاریخی-گفتمانی مفهوم امنیت است و بر این اساس به بررسی و مطالعه تحولات امنیتی جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت و جایگاه آن در گفتمان‌های سنتی، فراسنتی، مدرن و فرامدرن امنیت پرداخته می‌شود. این چارچوب تحلیلی تحول امنیت در جمهوری اسلامی ایران را مستلزم فراتر رفتن از این دوران می‌داند و بر این اساس معتقد است: دوره حاکمیت پهلوی در ایران پیش از انقلاب را می‌توان منطبق با گفتمان فراسنتی امنیت دانست که با غلبه رویکرد سخت‌افزاری نظامی به امنیت همراه بود. این در شرایطی بود که تمرکز حکومت پهلوی در این سال‌ها بر افزایش توان خود، بدون توجه به وضعیت و خواست جامعه بود و حاکمیت موجود در راستای اهداف قدرت‌های خارجی، بر توسعه وابستگی در این سال‌ها می‌افزود و به نارضایتی داخلی

دامن می‌زد. این شرایط، گفتمان امنیتی حکومت پهلوی را از ادامه مسیر بازداشت و چالش‌هایی برای آن ایجاد کرد که در نهایت به سرنگونی آن و توقف در رویکرد فراستنی امنیت منتهی گردید. در ادامه و با وقوع انقلاب و به دلیل ماهیت اسلامی حکومت، گفتمان فراستنی امنیت به جای ایدئولوژی غرب‌گرایانه، باستان‌گرایانه و اسلام‌ستیز، با ایدئولوژی اسلام‌گرایانه، غرب‌ستیزانه و باستان‌ستیزانه، شروع به بازسازی خود کرد. به عبارت دیگر، با وقوع انقلاب اسلامی، گفتمان فراستنی امنیت بازتولیدی دیگر براساس تفسیر ایدئولوژیک از اسلام یافت.

در این الگو همچنین به تبیین چهار رویکرد هدف‌محور، تهدید‌محور، توان‌محور و رویکرد ترکیبی (نظام‌محور)، در گفتمان‌های امنیتی پرداخته می‌شود که در دو دوره مذکور به ترتیب اتخاذ شده و باعث تحول از گفتمان سنتی به گفتمان فراستنی شده‌اند. در این نگرش دوران خاتمی، دوران گذار از گفتمان فراستنی امنیت به گفتمان مدرن براساس ایده انقلاب اسلامی تلقی می‌شود که پس از این دوره و با روی کار آمدن دولت نهم ماهیتی قدرت‌مندانه و مبتنی بر گفتمان مدرن امنیت می‌یابد (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۱-۳۷۸).

۲-۵. گفتمان حاکمیت - مردم

این رویکرد به دنبال تبیین نسبت فرهنگ و امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران و مفهوم‌پردازی فرهنگ‌پایه از امنیت و همچنین ارائه چارچوبی فرهنگی در مورد سازوکار تحدید و تأمین آن است. در واقع پرسش اصلی مربوط به چگونگی تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری امنیت نظام‌های سیاسی است و در پاسخ به این پرسش بر این فرضیه تأکید می‌شود که فرهنگ، کنش‌گر نیست و تأثیر آن بر امنیت از رهگذر گفتمان‌ها و نسل‌های انسانی حاصل می‌شود. در نتیجه امنیت نظام سیاسی یا وضعیت امن به طور کلی محصول سازگاری میان گفتمان‌های فرهنگی حاکم بر دولت، نسل زنده و نسل‌های پیشین است و ناسازگاری و شکاف میان این سه گفتمان منشأ ناامنی و بی‌ثباتی و تهدید امنیتی می‌گردد. در این رویکرد، امنیت فرهنگی به معنای پیوستگی گفتمانی نسل‌های متمادی است و تحقق آن مستلزم این است که کنش‌گران دولتی و مردمی نسل زنده، به آنچه از گذشته به ارث رسیده، پایبند باشند. بنابراین، امنیت فرهنگی به معنی سازگاری گفتمان فرهنگی رسمی و مردمی با گفتمان فرهنگی معیار است. در این رویکرد، فرهنگ به لحاظ هستی‌شناسی و

معرفت‌شناسی مقدم بر امنیت است و در تمام ابعاد به مثابه بنیان آن به شمار می‌آید. از طرفی در این تحلیل بیان می‌شود که در کنش‌های گفتاری رهبران جمهوری اسلامی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی، امنیت دارای بنیاد فرهنگی است، نه آنکه فرهنگ بر امنیت استوار باشد و اساساً رویکرد جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن به امنیت، فرهنگ‌پایه است (میرمحمدی، ۱۳۹۴، ص ۵۷-۸۴).

در این تحلیل گرچه گفتمان نسل جاری به عنوان گفتمان معیار معرفی می‌گردد، ولی همچنان بر نقش گفتمان رسمی برای نیل به امنیت تاکید می‌گردد و این در شرایطی است که تفاوت و شکاف‌ها در گفتمان‌های فرهنگی رسمی مد نظر قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر با وجود آنکه این چارچوب تحلیلی تبیین مناسبی از نقش فرهنگ در امنیت نظام سیاسی به دست می‌دهد، اما در واقع نمی‌توان آن را تحلیلی از گفتمان‌های امنیتی موجود در جمهوری اسلامی دانست که در تحقیق حاضر در پی آن می‌باشیم.

۳. نقاط قوت و ضعف الگوهای موجود

به طور کلی الگوهای موجود در رابطه با گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی را می‌توان در سه دسته جای داد: دسته اول الگوهایی که قائل به تداوم و پیوستگی گفتمانی هستند و یک سیر تکاملی برای گفتمان جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌نمایند که الگوی تحدید- تثبیت- تکثر و الگوی سنتی- فراستنی- مدرن- فرامدرن را می‌توان در این دسته قرار داد. در الگوی تحدید- تثبیت- تکثر با نگاهی تقلیل‌گرایانه، تنها از بعد نسبت میان امنیت و رقابت سیاسی به گفتمان‌های امنیت ملی پرداخته شده است. بر این اساس گفتمان‌های امنیت ملی از منظر امنیت داخلی مورد تبیین قرار گرفته‌اند. همین مسئله موجب شده است گفتمان‌های امنیت ملی به صورت جامع مورد تحلیل قرار نگیرند. همچنین تاکید این الگو بر تداوم گفتمان امنیت ملی است و تغییرات گفتمانی را از نظر دور می‌دارد (خلیلی، ۱۳۸۷)، در نتیجه قادر به تبیین نزاع‌های گفتمانی و شکاف‌های موجود در این عرصه در دوره‌های مختلف نمی‌باشد. الگوی سنتی- فراستنی- مدرن- فرامدرن نیز که به تبیین تحول تاریخی- گفتمانی امنیت در ایران پرداخته است، با وجود نگاهی بدیع به تحولات گفتمان‌های امنیت ملی آنها را در یک سیر تکاملی در نظر می‌گیرد. همچنین به نظر می‌رسد از تحلیل گفتمانی فاصله گرفته و چارچوب مد نظر خویش را دنبال می‌نماید

و نشانه‌های گفتمانی موجود را کمتر مد نظر دارد. در نهایت به نظر می‌رسد تحلیل‌هایی که حاکی از تداوم و نگاه تکاملی به گفتمان‌های امنیتی در جمهوری اسلامی هستند قادر به تبیین شکاف‌های موجود در این عرصه نیستند، در شرایطی که وضعیت حاکم در عرصه سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهای امنیتی و عدم وجود یک استراتژی منسجم در این مسیر، خود نشان‌دهنده حرکت نوسانی و غیرتکاملی گفتمان‌های امنیت ملی می‌باشد.

دسته دوم دیدگاه‌هایی هستند که معتقدند در طول سال‌های مختلف بنا به شرایط حاکم بر فضای سیاسی کشور، یک گفتمان به گفتمان غالب تبدیل شده است که الگوی بسط-حفظ-رشدمحور در این دسته قرار می‌گیرد. در این الگو نیز بر غلبه یک گفتمان با توجه به شرایط حاکم بر کشور تاکید می‌گردد، در حالی که همانطور که اشاره شد تضادهای موجود در عرصه سیاست‌گذاری‌های امنیتی کشور در دوره‌های مختلف مؤید آن نمی‌باشد و این الگو نیز توان توضیح این شکاف‌های گفتمانی را ندارد. به عنوان مثال در حالی که این الگو دوران بعد از جنگ را به صورت کلی تحت عنوان گفتمان رشدمحور مورد توجه قرار داده است، نمی‌توان از حضور پررنگ گفتمان رقیب در این دوره نیز چشم‌پوشی نمود. از سوی دیگر دو دوره مد نظر در گفتمان امنیتی بسطمحور و حفظمحور را نمی‌توان واجد یک تحول گفتمانی به شمار آورد؛ چراکه با وجود تغییر برخی اهداف، همچنان در هر دو رویکرد مبانی مشترکی حاکم است که همان توجه به اهداف هویتی و اسلامی و رویکرد انقلابی است. بنابراین، غلبه رویکرد ایدئولوژیک از خصوصیات بارز هر دو دوره است. در نهایت نمی‌توان گفتمان‌های امنیتی موجود در جمهوری اسلامی را محدود به یک دوره خاص تاریخی دانست، چون هم اکنون نیز شاهد بروز و ظهور این رویکردها در عرصه سیاسی می‌باشیم. از طرف دیگر نیاز به تحلیل کامل‌تری مشاهده می‌شود که توانایی تبیین شرایط گفتمانی پس از دوران سازندگی تاکنون را نیز داشته باشد.

دسته سوم شامل الگوهایی است که به یک تقسیم‌بندی دوگانه از گفتمان‌های امنیتی موجود پرداخته‌اند که الگوهای سنتی-مدرن و انقلابی-ملی در این دسته قرار دارند. در مورد این الگوها با وجود اینکه به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی دوگانه از گفتمان‌های امنیت ملی تبیین دقیق‌تری باشد، ولی به نظر می‌رسد در این الگوها نیز به دل‌های محوری گفتمان‌های امنیتی با دقت پرداخته نشده است که این نیازمند توجه بیشتر به ابعاد و

مؤلفه‌های گفتمانی در گفتار، نوشتار یا حتی عملکرد رهبران و نخبگان می‌باشد. بر این اساس با تحلیلی دقیق‌تر از گفتمان‌های موجود در نهایت می‌توان گفت دو مفهوم هویت و توسعه در مرکز توجه دو گفتمان اصلی در جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. به این ترتیب که در گفتمان هویت‌گرا اساس امنیت ملی بر مبنای ویژگی‌های هویتی جامعه است، ولی در گفتمان توسعه‌گرا امنیت پایدار در گرو توسعه همه‌جانبه است که در ادامه به تفصیل به تبیین آنها خواهیم پرداخت.

۴. گفتمان‌های امنیتی هویت‌گرا و توسعه‌گرا

هرچند چهار دهه از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران گذشته است و در طول این دوران دو گفتمان امنیتی رقیب هویت‌گرا و توسعه‌گرا به رقابت با یکدیگر پرداخته‌اند، اما به نظر می‌رسد هنوز ابعاد ناشناخته بسیاری از این دو گفتمان امنیتی و نسبت آنها با یکدیگر وجود دارد که باید آنها را به صورت دقیق‌تر مورد شناسایی قرار داد. دال مرکزی گفتمان امنیتی هویت‌گرا، هویت انقلابی و اسلامی در جامعه است؛ چراکه در این دیدگاه اصولاً انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن ریشه در این هویت دارد و فاصله گرفتن جامعه از این هویت ناگزیر به از میان رفتن پایه‌های نظام منتهی خواهد شد. ویژگی حاکم بر ملاحظات امنیتی این گفتمان، اعتبارزدایی از مفهوم امنیت ملی و عدم کاربست آن در سیاست‌گذاری‌ها بوده است، تا جایی که حتی بدبینی نسبت به روندهای ملی‌گرا در جهان اسلام را دامن زده و به مانعی برای وحدت مسلمانان عالم تبدیل شده است. در واقع مفاهیمی همچون امنیت امت و امنیت مکتب را گفتمان امنیتی هویت‌گرا وارد ادبیات سیاسی ایران کرده است (رحیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰).

در طرف دیگر گفتمان امنیتی توسعه‌گرا به عنوان گفتمان رقیب، با در نظر داشتن واقعیات ناظر به سیاست و اقتصاد در عرصه جهانی و بین‌المللی و همچنین رشد فزاینده خواسته‌های جامعه و با توجه به گسترش ارتباطات، توسعه را به عنوان دال مرکزی در کانون توجه خود قرار داده است، به طوری که معتقد است در صورت عدم حرکت در مسیر توسعه، حکومت با معضل کاهش مشروعیت و در نتیجه تهدید امنیت ملی روبرو خواهد شد.

تداوم رقابت و گاه حتی رویارویی این دو گفتمان امنیتی، یکی از مشخصه‌های اصلی

مسائل امنیتی جمهوری اسلامی ایران بوده است که باعث فقدان اجماع عمومی بین نخبگان در مورد مفهوم امنیت ملی، سیاست‌های امنیتی، تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها (رنجبر، ۱۳۷۹، صص ۱۳۹-۱۲۶) و حتی نزاع گفتمانی به واسطه اصول متفاوت و در مواقعی متضاد شده و ناهماهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و استراتژی‌های کلان جمهوری اسلامی ایران را رقم زده است. شناخت نسبت به این دو گفتمان رقیب را می‌توان با تحلیل دیدگاه‌ها و نظریات نخبگان حاکم بر جمهوری اسلامی ایران حاصل کرد که در ادامه بر همین اساس به زمینه‌های شکل‌گیری و همچنین مؤلفه‌های دو گفتمان به اختصار اشاره خواهیم کرد.

۴-۱. مبانی و زمینه‌های شکل‌گیری

از دیدگاه ما آنچه امروزه موجب شکل‌گیری گفتمان‌های رقیب در جمهوری اسلامی شده است، اهداف مربوط به توسعه و امنیت می‌باشد که باعث پدیدار شدن دو گفتمان امنیتی هویت‌گرا و توسعه‌گرا شده است. امنیت و توسعه امروزه تبدیل به دو مفهوم حیاتی برای کشورها و دولت‌ها گردیده‌اند و برقراری یک نسبت مناسب میان این دو، به مسئله‌ای اساسی برای آنها تبدیل شده است. در کشورهای جهان سوم به دلیل اولویت امنیت نظام‌های سیاسی در نگاه نخبگان، سایر مسائل از جمله مسائل مربوط به توسعه نیز از دریچه امنیتی نگریسته می‌شود و در اصطلاح گرایش به امنیتی‌سازی در دیگر حوزه‌ها پیدا می‌شود که این رویکرد در نگاه رهبران جمهوری اسلامی نیز قابل مشاهده است، چنانکه آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است: «امنیت، زیرساخت همه پیشرفت‌های یک ملت است. اگر امنیت نباشد، نه اقتصاد هست، نه فرهنگ هست، نه سعادت شخصی و نه سعادت عمومی مردم اجتماع هست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴ الف). ایشان همچنین بر این باور است که: اگر امنیت نباشد پیشرفت علمی هم نیست، پیشرفت صنعتی و اقتصادی هم نیست؛ اگر امنیت نباشد، آرامش و اطمینان و سکینه روحی در مردم وجود ندارد. در فضای ناامن، آرزوهای بزرگ و آرمان‌های درخشان، در ذهن‌ها فراموش می‌شود؛ همه به فکر حفظ امنیت جان خود هستند. وقتی در کشور امنیت هست، آن وقت این یک عرصه‌ای است، یک بستری است برای رشد همه عناصر رشد یک کشور و عناصر پیشرفت یک کشور (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶ الف).

از این‌رو در جمهوری اسلامی ایران نیز گرچه با توجه به شرایط پس از انقلاب، مخصوصاً شرایط ناشی از جنگ و تأثیرات عمیق آن بر ساختار سیاسی و اجتماعی کشور، در ابتدا رویکردهای ایدئولوژیک و هویت‌گرا توانست تا حدودی به گفتمان هژمون در

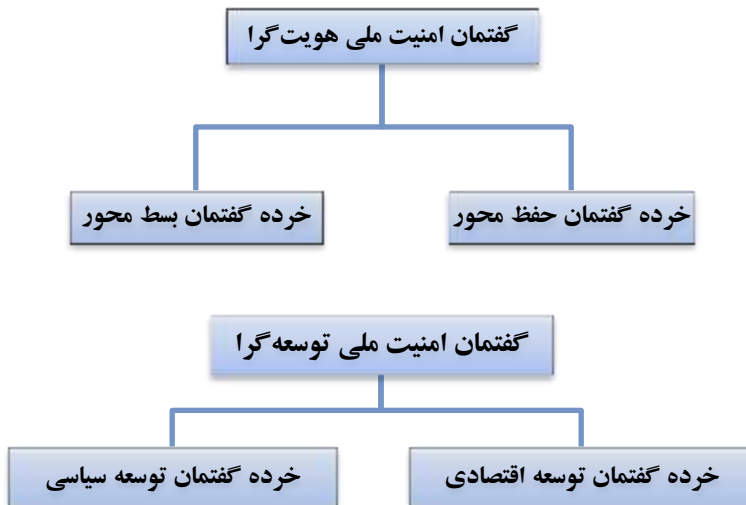
ملاحظات امنیتی نخبگان و ساختار سیاسی تبدیل شود، ولی در ادامه و به دلیل مواجهه دولت و جامعه با شرایط حاکم بر نظام بین‌المللی و لزوم پیگیری اهداف مربوط به توسعه و قرار گرفتن در مسیر جهانی توسعه برای نیل به امنیت پایدار، شاهد تبلور گفتمان امنیتی توسعه‌گرا به عنوان یک گفتمان رقیب در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی می‌باشیم. لذا، به نظر می‌رسد تمامی تحولات صورت گرفته در این عرصه از ابتدای انقلاب تاکنون را می‌توان در ذیل دو گفتمان مذکور مورد بررسی قرار داد و با این چارچوب نظری به تبیین تحولات صورت گرفته پرداخت که در ادامه به اختصار به آن خواهیم پرداخت.

در حالی که در سال‌های اول انقلاب هیچ یک از گروه‌های سیاسی حاضر در ساختار حاکمیت از استراتژی مشخصی در رابطه با امنیت ملی برخوردار نبودند و شرایط انقلابی حاکم در این دوران نیز اجازه تفکر و طراحی‌های لازم در این خصوص را نمی‌داد، اما به واسطه اصول و رفتارهای این گروه‌ها می‌توان ویژگی‌های ملاحظات امنیتی آنها را شناسایی کرد. در این دوره حضور توأمان گروه‌های انقلابی و گروه‌های مذهبی‌تر جناح لیبرال در حاکمیت، دوگانگی ساختار حکومت را شکل داد. امنیت ملی در نزد دولت موقت و حامیان آن در اصلاح داخلی و بی‌طرفی خارجی خلاصه می‌شد و در مجموع در پی ادغام در سیستم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی برای پیشبرد اهداف کشور بودند و حرکت برخلاف آن را مخالف با مصالح امنیت ملی می‌دانستند (رحیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹-۱۸۵). بنابراین، از ابتدای پیروزی انقلاب تا پایان جنگ را می‌توان دوران غلبه گفتمان امنیتی هویت‌گرا دانست. هرچند که به عقیده برخی، جنگ و ضرورت‌های ناشی از آن، جایگاه منافع ملی را در برابر منافع امت اسلامی قرار داد و ملاحظات بیرونی به نفع ملاحظات درونی دچار تحول شد. ولی به رغم محدود شدن دایره معضلات اساسی امنیت کشور به موضوع جنگ و مسائل ناشی از آن، همچنان شاهد تداوم و حتی تشدید برخی از ملاحظات امنیتی انقلابی در این دوره هستیم و ویژگی‌های ایدئولوژیک و پویایی و فعال بودن در این دوره نیز در ملاحظات امنیتی اثرگذار بوده است (حجاریان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۰۰-۲۸۲) و همچنان گفتمان امنیتی هویت‌گرا در این دوره غلبه دارد. شاید بتوان گفت وجود تهدید خارجی در این دوره عاملی برای وحدت داخلی در زمینه‌های مختلف از جمله مسائل مربوط به امنیت ملی بوده است. در این چارچوب تقسیم‌بندی بسط‌محور و حفظ‌محور در این دوره نه به عنوان یک تغییر گفتمانی، بلکه به عنوان دو خرده گفتمان در

ذیل گفتمان هویت‌گرا محسوب می‌شود.

با عبور از شرایط ابتدای انقلاب و جنگ و با روی کار آمدن دولت سازندگی، شاهد شکل‌گیری گفتمان امنیتی توسعه‌گرا در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی هستیم. در این نگرش که رویکردی نرم‌افزارانه به امنیت دارد، امنیت نتیجه طبیعی توسعه قلمداد می‌شود. هرچند در ذیل گفتمان امنیتی توسعه‌گرا نیز شاهد خرده‌گفتمان‌های توسعه اقتصادی در زمان دولت سازندگی و خرده‌گفتمان توسعه سیاسی در دوره اصلاحات بوده‌ایم.

در واقع از این مقطع به بعد همواره شاهد تقابل این دو گفتمان امنیتی نسبت به سیاست‌های کلان مربوط به امنیت و توسعه جمهوری اسلامی بوده‌ایم. نکته اساسی در اینجاست که با شکل‌گیری این دو گفتمان امنیتی و تقابل و حتی نزاع آنها، در عمل پس از دوره جنگ هیچ یک نتوانسته‌اند به گفتمان هژمون تبدیل شوند، به طوری که حتی ساختار سیاسی کشور نیز با توجه به توزیع قدرت در میان حامیان این دو گفتمان در نهادهای مهم کشور، خود نشان‌دهنده این مسئله می‌باشد. لازم به ذکر است که دوران دولت اصول‌گرا و دولت اعتدال‌گرا را نیز می‌توان در این راستا و در ذیل این دو گفتمان ارزیابی نمود، با این تفاوت که در این مقاطع خرده‌گفتمان‌های مورد اشاره به یک اجماع نسبی در ذیل گفتمان اصلی قرار گرفته‌اند.



نمودار ۱- خرده‌گفتمان‌های امنیت ملی

۴-۲. ابعاد و مؤلفه‌های گفتمانی

گفتمان امنیتی هویت‌گرا به دنبال بسط ارزش‌های اسلامی در جامعه و حفظ ماهیت انقلابی آن از راه تربیت انسان مکتبی و به طور کلی گسترش فرهنگ و هویت اسلامی و انقلابی برای رسیدن به استقلال و در نتیجه به امنیت مطلوب مورد نظر خود است. بر این اساس امام خمینی راه استقلال در زمینه‌های گوناگون را از مسیر بازیابی هویت اصیل معرفی می‌کند و می‌گوید: ما باید ایران را به کشوری مستقل از نظر سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل کنیم که از اتکا، به آمریکا و شوروی و انگلیس، این قدرت‌های سیری‌ناپذیر جهانی، رها شود. ما باید هویت اصیل خود را به دنیا اعلام کنیم. متأسفانه بعضی از روشنفکران نمی‌توانند از وابستگی به شرق و غرب رها شوند. امیدواریم این افراد جدا شده از ملت، در سایه تحول فرهنگ اسلامی موجود، آگاه شوند و اصالت خود را بازیابند (امام خمینی، ۱۳۵۸).

در این رویکرد، قدرت نظام و اقتدار کشور ناشی از همین هویت اسلامی و انقلابی دانسته می‌شود که رها کردن آن تهدیدی برای نظام و انقلاب خواهد بود. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌گوید: آقا شما این کلمه انقلاب و مسئله انقلاب و روحیه انقلابی را این قدر دنبال نکنید. خب، اینها با هم متناقض است. اصلاً این اقتدار، این نفوذ، به خاطر انقلاب است؛ اگر انقلاب نبود، اگر روحیه انقلابی نبود، اگر عملکرد انقلابی نبود، این نفوذ وجود نداشت. اینکه شما بانفوذید، شما قدرتمندید، انقلاب را بگذارید کنار، که بتوانیم با هم زندگی بکنیم، معنایش این است که انقلاب را بگذارید کنار تا از این قدرت بیفتید تا ما بتوانیم شما را بلعیم. این را صریحاً به افرادی از جمهوری اسلامی می‌گویند و توجه نمی‌شود به معنا و مفهوم واقعی این حرف (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴ ب).

بنابراین، تلقی طرفداران این گفتمان این است که در راستای محافظت از منافع ملی و در راستای مبارزه با تهدیدات مادی و معنوی متوجه نظام و کشور، این ویژگی هویتی است که مهم‌ترین نقش را با بهره‌گیری از حضور توده مردم انقلابی ایفا می‌کند. به طوری که از نگاه امام خمینی همین خصوصیت هویتی است که باعث دفع خطر دشمنان خارجی خواهد شد و انحراف جامعه از این هویت سرآغاز سقوط آن محسوب می‌شود: فرهنگ هر جامعه، بیانگر هویت و ارزش وجودی آن جامعه است. یک جامعه، هر چقدر هم که از

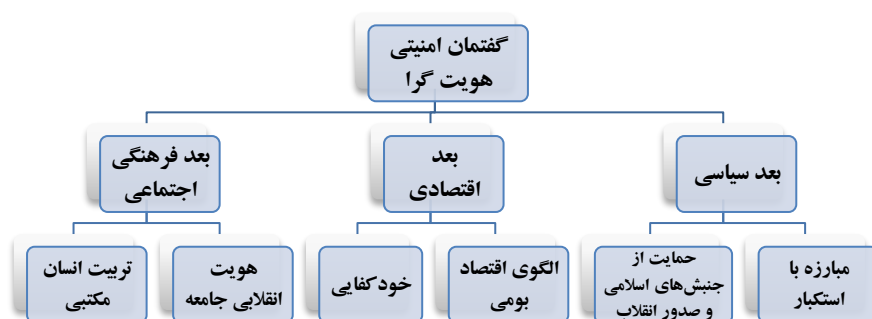
لحاظ اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند باشد، انحراف فرهنگی آن را به جامعه‌ای تهی و بی‌ارزش تبدیل می‌کند و به سقوط می‌کشاند. اگر جامعه از نظر فرهنگی، وابسته و تابع فرهنگ بیگانه باشد، مجبور می‌شود که در ابعاد دیگر اجتماعی هم به سوی دشمن برود و در نهایت، نابود می‌شود و شرف خود را در همه زمین‌ها از دست می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۵۸).

در سایه همین رویکرد هویتی می‌باشد که در این گفتمان شاهد ایدئولوژی‌گرایی در سیاست‌های امنیتی بوده‌ایم، به طوری که امنیت ملی در راستای امنیت امت اسلامی تعریف می‌شود و حتی تشکیل امت و جامعه اسلامی به عنوان یک آرمان درمی‌آید. ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالفند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

بر این اساس با تقسیم جهان به دو جبهه خیر و شر و برای مقابله با تهدیدات جبهه شرّ و در نتیجه برای نیل به امنیت، حوزه اصالت‌های نظام تا حد زیادی جایگزین حوزه الزامات نظام می‌شود و ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک جمهوری اسلامی دانسته می‌شوند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷). لذا، این گفتمان در سیاست خارجی نیز به دنبال حفظ استقلال، اعتقادگرایی و رویکردهای ایدئولوژیک، حمایت از جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش در منطقه و جهان و صدور انقلاب اسلامی است. امام خمینی در این زمینه اظهار می‌دارد: «ما مکلف هستیم که ملت‌های ستم‌دیده و محروم را نجات دهیم. اهتمام به مسائل مسلمانان از مهم‌ترین واجبات است. ما نمی‌توانیم خود را از دیگر مسلمانان جدا بدانیم». در نتیجه، مقابله با استکبار و نظام سرمایه‌داری غرب به یکی از دال‌های محوری این گفتمان تبدیل می‌شود که باعث امنیتی شدن فضای حاکم بر سیاست خارجی و فرهنگ و اقتصاد می‌گردد، تا جایی که حتی به همکاری با نهادهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی نیز با دیده تردید نگریسته می‌شود.

با توجه به این ملاحظات و به واسطه غلبه اهداف ایدئولوژیک در این گفتمان، به شرایط دستیابی به اهداف در داخل و خارج نیز کمتر توجه می‌شود (غریباق زندگی، ۱۳۹۰،

ص ۱۴۰)، به طوری که به عقیده برخی در اصول قانون اساسی نیز قدرت و امنیت ملی مبنای رفتار سیاسی جمهوری اسلامی نیست و بالعکس رفتار خارجی کشور از عرصه‌های پیش برنده مبنای هویتی می‌باشد. در نهایت اگر سه متغیر اهداف، مقدمات و تهدیدات را تعیین‌کننده رفتارها و سیاست‌های امنیتی بدانیم، در این گفتمان این سه متغیر بیشتر ناظر به اهداف انقلابی و اسلامی، پتانسیل‌های هویتی و فرهنگ انقلابی و اسلامی و تهدیدات از جانب استکبار جهانی و غرب می‌باشند.



نمودار ۲- دال‌های محوری گفتمان هویت‌گرا

در مقابل، در گفتمان امنیتی توسعه‌گرا تلاش برای اتخاذ رویکرد تحولی در سیاست‌گذاری‌های امنیت ملی به جای رویکرد انقلابی است و نمایندگان آن، گفتمان هویت‌گرا را با چالش‌های نرم‌افزاری فراوان درونی از یک طرف و چالش‌های عریان بیرونی از طرف دیگر مواجه می‌دانند (حجاریان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۰۰-۲۸۲)، به طوری که آقای هاشمی رفسنجانی با افراطی دانستن این رویکردها آن را دلیل عدم ارتباط با دنیا و در نتیجه عدم پیشرفت در سیاست‌های داخلی می‌دانست و معتقد بود: «همه اینها به شرطی است که افراطی‌ها بگذارند که ما با دنیا ارتباط داشته باشیم. اجازه بدهند ارتباط ما با جاهایی که امکان‌ش هست، برقرار بشود که تا این اتفاق نیفتد ما به جایی نخواهیم رسید» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۲).

در این گفتمان، نظام جمهوری اسلامی در عین آرمان‌گرایی و خیرخواهی و نگاه بلند تاریخی به تحولات جهان، باید محتاطانه‌تر رفتار کند (غزالیق زندی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵) و از دشمن تراشی و نادیده گرفتن مصالح ملی اجتناب نماید تا امکان تعامل با جهان فراهم آید. مبنا این نیست که دشمن درست کنیم. مبنا این است که فضایی برای تعامل جهانی

درست کنیم. در جایی که لازم است، کوتاه بیاییم، همان‌گونه که پیامبر(ص) کوتاه می‌آمد ... لذا در مبانی ما هست که نباید دشمن درست کنیم. نباید مصالح خود را قربانی کنیم (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷).

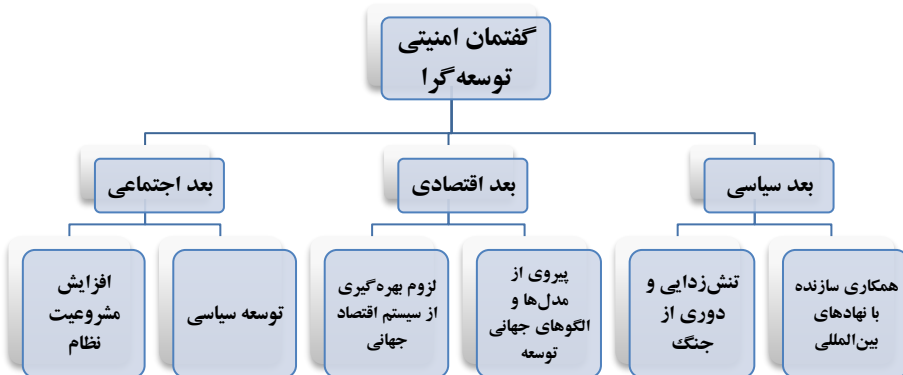
بر این اساس برنامه‌ریزی و تحقق اهداف توسعه در کشور نیز بدون در نظر گرفتن و دخالت دادن شرایط، عوامل، تحولات و تاثیرپذیری‌های بین‌المللی میسر نیست و از آنجا که ایران به واسطه محیط استراتژیک خود ذاتاً یک واحد سیاسی بین‌المللی است، نمی‌تواند سیاست امنیتی و خارجی مستقلی را در عرصه جهانی دنبال کند.

در این گفتمان تداوم مقوله امنیت ملی در قلمرو ملی نگریسته می‌شود و سیاست‌های کشور باید با پابندی به مصالح ملی و منافع کشور باشد. از این رو آقای خاتمی معتقد است مهم‌ترین خط قرمز باید این باشد که منافع و مصالح ملی لطمه نبیند و با کوتاه نیامدن بر سر منافع و مصالح کشور بتوان با دنیا رابطه برقرار کرد. ایشان همچنین دو اصل تنش‌زدایی و تعامل را با در نظر گرفتن مصالح ملی همراه می‌داند (خاتمی، ۱۳۹۳).

در این گفتمان تلاش برای توجه توأمان به کلیه متغیرهای امنیت اعم از اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. همچنان که آقای خاتمی با طرح مفهوم امنیت انسانی و امنیت اجتماعی معتقد است: «امروز امنیت مقوله‌ای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی است که حتی اهمیتی بیش از امنیت سرزمینی یافته است. غفلت از این مهم، جوامع و جهان را دستخوش عدم توازن و بی‌تعادلی و نهایتاً جنگ و آشوب می‌کند. باید دید که این امنیت چگونه حاصل می‌شود و چگونه پایدار می‌ماند» (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳، ص ۴۰۱).

در این گفتمان هم‌زمان با برنامه‌های توسعه اقتصادی بر ضرورت توسعه سیاسی و نیاز به تکامل بخشی به نظام سیاسی و مشروعیت بخشیدن به آن برای نیل به امنیت تأکید می‌گردد، به طوری که آقای هاشمی مبنای امنیت را در کشورداری اسلام براساس رضایت و مشروعیت مردمی ذکر می‌کرد و حتی تهدیدات خارجی را ناشی از ضعف مشروعیت می‌دانست و معتقد بود: اساس کشورداری اسلام از اول بر رضایت مردم بود. فکر می‌کنم محور مبنایی امنیت ملی اسلام رضایت مردم، ملت و امتی است که با آنها سروکار داریم. اگر بتوانیم رضایت مردم را حقیقتاً تأمین کنیم، خیلی از مشکلات امنیتی را حتی در داخل حل می‌کنیم و فضا برای کارهای بعدی امن می‌شود. در سیاست خارجی هم اگر به همان

مبنا عمل کنیم، دلیلی ندارد که تهدید داشته باشیم» و همچنین در ادامه می‌افزاید: «می‌خواهم بگویم زمینه اینکه مردم تسلیم محض باشند، در شرایط کنونی وجود ندارد و ما هم نباید چنین توقعی از مردم داشته باشیم. باید خود را آماده کنیم و همه ابعاد جامعه را در نظر بگیریم و مردم را راضی نگه داریم. از لحاظ سیاسی به مردم اجازه بدهیم در سرنوشت خود - به هر جایی که رسید - دخالت کنند. این مسئله در قانون اساسی ما تضمین شده که باید به آن عمل کنیم. قانون اساسی را علمای بزرگ کشور نوشتند و تدوین و تصویب کردند. سلیقه چند سیاست‌مدار محدود نیست. عقاید محکمی پشت آن است. از لحاظ سیاسی در این بُعد مشکلی نداریم و باید این کار را بکنیم. البته چون این کار را نمی‌کنیم، کم‌کم از این ناحیه به امنیت کشور خدشه وارد می‌شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷). بنابراین، می‌توان گفت توسعه پایدار اقتصادی، توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی مردمی و همچنین تحکیم توانمندی‌های ملی دال‌های محوری این گفتمان هستند، به طوری که تنها زمانی مسئله امنیت حل خواهد شد که قدرت ملی از طریق توسعه به طور همه‌جانبه افزایش یابد.



نمودار ۳- دال‌های محوری گفتمان توسعه‌گرا

بنابر آنچه گفته شد، هرچند برخی از صاحب‌نظران، دولت‌های سازندگی و اصلاحات را ذیل دو گفتمان امنیتی توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی تعریف کرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد باید این دو را در یک گفتمان واحد امنیتی جای داد؛ چراکه با وجود نگاه به توسعه از دو زاویه متفاوت، نهایتاً در هر دو رویکرد توسعه مقدمه امنیت و شرط اساسی رسیدن به آن است. در واقع در هر دو گفتمان فرض بر این است که اگر جامعه‌ای قدرتمند نباشد،

توان فعلیت بخشیدن به اصول و ارزش‌ها و اهداف و آرمان‌های خود را ندارد. لذا مشاهده می‌شود که دولت‌های سازندگی و اصلاحات در پی افزایش ضریب امنیت ملی از طریق اجرای سیاست‌های توسعه بودند. در این راستا دولت هاشمی تلاش خود را بر محور توسعه اقتصادی قرار داده بود و دولت خاتمی نیز به رغم کوشش در جهت نهادینه ساختن توسعه سیاسی و فرهنگی، بیشترین تاثیر را در توسعه اقتصادی داشته است (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۶۰-۴۱).

۵. جایگاه توسعه در گفتمان‌های امنیتی هویت‌گرا و توسعه‌گرا

با توجه به اهمیت امنیت در نگاه نخبگان در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، روشن گردید که در این کشورها توسعه از دریچه امنیت نظاره می‌شود. لذا، باید دید در گفتمان‌های امنیتی در جمهوری اسلامی چه نگاهی به مقوله توسعه وجود دارد. آنچه با تحلیل گفتمان نخبگان در دو طیف مذکور به دست می‌آید این است که در گفتمان امنیتی هویت‌گرا تاکید بر خودکفایی اقتصادی و سیاسی و همچنین توسعه و پیشرفت از مسیر اتکاء به استوانه‌های داخلی (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴ج) است. بر همین اساس گفتمان مذکور به دنبال ارائه و پیروی از الگوی توسعه بومی و اسلامی می‌باشد و الگوهای غربی توسعه را نفی می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه معتقد است: ما از چند سال قبل از این آمدم گفتیم «الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت»؛ بنده کلمه توسعه را هم عمداً به کار نبردم. آقایانی که مسئول این کار هستند و از آن وقت ما با اینها ارتباط داریم، می‌دانند، بنده عمداً گفتم کلمه توسعه را من به کار نمی‌برم، چون کلمه توسعه یک کلمه غربی است؛ یک مفهوم غربی دارد؛ من کلمه پیشرفت را به کار می‌برم؛ الگوی پیشرفت ایرانی- اسلامی. خب این الگو را بگردیم پیدا کنیم! چرا باید برای پیشرفت ما، دست‌های غربی الگو بدهند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶ب).

در این رویکرد حتی توسعه صنعتی نیز باید مسیر خودکفایی را طی نماید. امام خمینی در این زمینه می‌گوید: «صنعتی کردن کشور از اهداف ماست، اما به شرط آنکه این صنعت، ملی و مستقل باشد و همگام با کشاورزی، در خدمت اقتصاد کشور که به نفع مردم است قرار گیرد، نه آنکه صنعتی وابسته (مثل موتناژ و بازیافت) و نیازمند بیگانگان باشد، مثل آنچه در حال حاضر در ایران وجود دارد» (امام خمینی، ۱۳۵۸).

این تأکیدات در زمینه استقلال و خودکفایی اقتصادی و سیاسی در این گفتمان از آن رو است که مهم‌ترین مؤلفه امنیت و ثبات نظام در قطع وابستگی‌های ساختاری به جهان خارج تلقی می‌شود و وابستگی می‌تواند سرمنشاء هرگونه تهدید امنیتی باشد. بنابراین، در این گفتمان رویکرد مثبتی به نهادهای بین‌المللی وجود ندارد و به پیروی از ساختارها و سازوکارهای جهانی برای دستیابی به توسعه با دیده تردید نگریسته می‌شود، به طوری که امام خمینی معتقد است سازمان‌های بین‌المللی کاملاً در جهت منافع کشورهای غربی حرکت می‌کنند: «غرب وضعش این است و این سازمان‌هایی هم که درست کرده‌اند برای خودشان، همه برای منفعت غرب است. هیچ برای مظلوم‌ها نیست. شما شاید در طول این مجالسی که اینها درست کرده‌اند، یک جا پیدا نکنید که اگر آمریکا یا دیگران که قدرت‌هاشان زیاد است، منافع‌شان با یک مملکت ضعیفی تصادم پیدا بکند، اینها یک کاری برایشان کرده باشند» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۵۰).

علاوه بر اصل استقلال اقتصادی و سیاسی، اصل مساوات و عدالت اجتماعی نیز مورد توجه خاص گفتمان هویت‌گرا قرار دارد. همچنان که در تحلیلی از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای سه مضمون قدرت درون‌زا، اقتصاد دانشی و عدالت‌محور و اسلامی بودن پیشرفت مورد تأکید بوده است (قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۰-۱۴۷). در نهایت می‌توان گفت که در این گفتمان اساساً توسعه و پیشرفت حقیقی از مسیر حفظ هویت فرهنگی و انقلابی جامعه می‌گذرد. همان طور که آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌کند: اگر بخواهیم این پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی‌مان را حفظ کنیم، عزت و هویت ملی‌مان را حفظ کنیم، هضم نشویم و در هاضمه خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم ... (خامنه‌ای، ۱۳۹۴ ج).

این در حالی است که در گفتمان امنیتی توسعه‌گرا تأکید بر پیروی از الگوهای جهانی توسعه و همچنین بهره‌گیری از امکانات جهانی و سازمان‌های بین‌المللی و توصیه‌های ارائه شده می‌باشد. در واقع در گفتمان توسعه‌گرا بر این اصل تأکید می‌گردد که امنیت ملی صرفاً از طریق نگرش‌های ایدئولوژیک و با ابزارهای نظامی و با توسل به اقدامات توده‌ای تأمین نخواهد شد، لذا، این گفتمان در پی کاهش تنش‌های خارجی برای بهره‌گیری بیشتر از ابزارهای بین‌المللی در جهت توسعه است. چرا که اعتقاد بر این است که «نمی‌توان درهای

کشور را به روی دنیا بست و پیشرفت هم کرد» (خاتمی، ۱۳۹۳). در این نگرش اگر به هر دلیلی نسبت به تجارت آزاد و مبادلات بین‌المللی نگرش مثبتی وجود نداشته باشد و یا ساختار سیاسی و امنیتی با رویکرد افراطی و به گونه‌ای باشد که کلیه فعالیت‌های اجتماعی شهروندان در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد را تحت کنترل و نظارت درآورد، حرکت به سوی توسعه با دشواری‌های جدی روبه‌رو خواهد بود. آقای هاشمی نیز در این زمینه با نفی این اقدامات معتقد است: «دستیابی به توسعه همه‌جانبه جز با انتخاب شیوه اعتدال در همه شئون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی عبادی میسر نخواهد بود» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳).

همچنین در این رویکرد جذب سرمایه خارجی و داخلی مولد، از مهم‌ترین نیازهای استراتژیک کشور قلمداد می‌شود که آینده تداوم و نیز پایداری نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران به آن گره خورده است و همان‌طور که آقای خاتمی بیان می‌کند: «توسعه و پیشرفت جز با همراهی جامعه بین‌الملل، استفاده از ثروت جامعه بین‌الملل، استفاده از دانش و فناوری‌های جدید و نیز حضور در بازارهای جهانی میسر نیست» (خاتمی، ۱۳۹۳).

به دلیل همین تفاوت‌ها است که در گفتمان‌های امنیتی از حیث اقتصادی نیز خط‌مشی دولت‌ها بین آزادسازی و سیاست درهای باز از یک‌سو و نوعی اقتصاد کنترل شده و خودبستگی اقتصادی از سوی دیگر در نوسان بوده است و استراتژی واحدی نسبت به توسعه در سیاست‌گذاری‌ها در دوران جمهوری اسلامی مشاهده نمی‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری

آنچه از تحلیل گفتمان‌های امنیتی در جمهوری اسلامی به دست می‌آید، این است که همواره شاهد حضور دو گفتمان رقیب در عرصه سیاسی و در میان نخبگان بوده‌ایم. به طوری که نمی‌توان سیر این تحولات گفتمانی را در یک مسیر تکاملی و رو به رشد تحلیل کرد. این دو گفتمان رقیب توسط برخی تحت عناوینی چون سنتی - نوین یا انقلابی - ملی دسته‌بندی شده‌اند. ولی تحلیل دو گفتمان مذکور نشان‌دهنده آن است که دال محوری آنها را می‌توان دو مفهوم هویت‌گرایی و توسعه‌گرایی دانست. به شکلی که گفتمان هویت‌گرا راه دستیابی به امنیت پایدار و در امتداد آن توسعه مبتنی بر الگوی بومی را همان تقویت

هویت انقلابی و اسلامی در جامعه می‌داند و تضعیف این هویت را باعث سست شدن پایه‌های جمهوری اسلامی معرفی می‌نماید. در طرف مقابل، گفتمان توسعه‌گرا با در نظر داشتن واقعیت‌های عرصه بین‌المللی و همچنین فضای فرهنگی و اجتماعی مردم در داخل کشور و توجه به ابعاد نرم‌افزاری امنیت، قدم گذاشتن در مسیر توسعه با همه ابعاد آن را پیش‌شرط دستیابی به امنیت پایدار معرفی می‌نماید. همچنین با توجه به اینکه برقراری نسبت میان دو مفهوم توسعه و امنیت حتی در مباحث آکادمیک خود امری پیچیده و مشکل می‌باشد، در صحنه واقعیت و عمل نیز در جمهوری اسلامی ایران همواره توسعه در ذیل مباحثات و اقدامات دو گفتمان امنیتی قرار گرفته است، به طوری که باعث مواضع متضاد و سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ در جهت نیل به اهداف بلندمدت امنیتی و توسعه‌ای در جمهوری اسلامی شده است. این در شرایطی است که باید توجه داشت تا زمانی که ائتلاف و اجماع نظر روشی و کیفی میان نخبگان وجود نداشته باشد، امکان توسعه فراهم نمی‌آید. در واقع یکی از مشکلات و موانع جدی در مسیر توسعه کشور تغییر دائمی تعاریف مربوط به منافع ملی، اهداف ملی و اصول کلی سیاست داخلی و خارجی برای نیل به امنیت ملی است. به همین دلیل یکی از مشخصه‌های اصلی مسائل امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فقدان اجماع عمومی بین نخبگان در مورد مفهوم امنیت ملی، سیاست‌های امنیتی، تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها است که موجب بروز بحران در هنگام حاکمیت هر دو گفتمان رقیب شده است.

منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی*، شماره ۴، ص ۵۲-۱۹.
۲. حجازیان، سعید (۱۳۷۶). تحول مفهوم امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. در: مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی. تهران: وزارت کشور، ج ۱.
۳. خاتمی، سید محمد (۱۳۹۳). سخنرانی در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه مفید. قابل دسترس در: <http://www.ir.na.ir/fa/News/81403246>.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷). بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). بیانات در دیدار با مسئولان نظام. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26908>.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴الف). دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29472>.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴ب). بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴ج). بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32587>.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶الف). مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان افسری ارتش. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38003>.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶ب). بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36930>.
۱۱. خلیلی، رضا (۱۳۸۷). تبیین تحولات امنیتی جمهوری اسلامی ایران؛ در جستجوی چارچوبی تحلیلی. *مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۴۱۱-۳۷۸.
۱۲. خلیلی، رضا؛ بنی‌هاشمی، میرقاسم؛ قلی‌پور، محسن (۱۳۹۸). امنیت و توسعه؛ تاثیر گفتمان‌های امنیت ملی بر برنامه‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، شماره ۲۸، ص ۶۰-۴۱.
۱۳. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۵۸). دیدگاه امام خمینی درباره غرب و تمدن غربی، راهکارهای مبارزه و نحوه برخورد با آن. قابل دسترس در: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n127622>.
۱۴. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۱.
۱۵. رحیمی، علیرضا (۱۳۹۶). کشاکش دموکراسی و امنیت ملی در ایران. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۱۶. رنجبر، مقصود (۱۳۷۹). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. *علوم سیاسی*، شماره ۹، ص ۹۱-۶۴.
۱۷. زارعی، بهادر؛ یزدان‌پناه، کیومرث؛ زینی‌وند، علی (۱۳۹۰). بررسی گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۵، شماره ۱، ص ۶۴-۴۵.
۱۸. غریب‌زندی، داود (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۹. قاضی میرسعید، سید علیرضا؛ تاج آبادی، حسین (۱۳۹۵). مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری. *مدیریت اسلامی*، دوره بیست و چهارم، شماره ۳، ص ۱۷۰-۱۴۷.
۲۰. میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۴). نسل‌ها، گفتمان‌ها و امنیت: چارچوبی فرهنگی برای امنیت در ایران. *مطالعات راهبردی*، شماره ۶۸، ص ۸۴-۵۷.
۲۱. ولی‌پور زرومی، سید حسین (۱۳۷۷). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی*، پیش شماره ۲، ص ۸۱-۶۳.
۲۲. ولی‌پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. ویدسون، اچ جی (۱۳۹۵). *تحلیل گفتمان*. ایران. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۲۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۷). مصاحبه در رابطه با مانیفست سیاست خارجی. قابل دسترس در: <https://bit.ly/2Lok7rA>
۲۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۲). نشست بررسی مشکلات فعالین اقتصادی استان کرمانشاه. قابل دسترس در: <https://www.mehrnews.com/news/2156410>
۲۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۳). پیام به همایش حزب اعتدال و توسعه. قابل دسترس در: <https://www.khabaronline.ir/detail/401012/Politics/parties>

References

- Eftekhari, A. (1999). Chehreye motaghayere amniate dakheli. *Fasnameye siyasate rahbordī*. No.4, P.19-52. [In Persian]
- Gharayasgh, Z. (2016). **Daramadi Bar Siasatgozari Amniate Malli**. Tehran: Pejhuheskadeye motaleate rahbordī. [In Persian]
- Ghazimirsaeed, S.A. & Tajabadi, H. (2016). Mafhoome tosee va pishraft dar andishe maghame moazame rahbari. *Fasnameye modiriate eslami*, Vol. 24, No.3, P. 147-170. [In Persian]
- Hajjarian S. (1997). **Tahavole mafhoome amniat dar jomhoorie eslamie iran**. Majmooe maghalate hamayeshe tosee va amniate omoom, siyasate rahbordī. Tehran: vezarate keshvar, Vol. 1, P.282-300. [In Persian]
- Hashemie Rafsanjani, A. (2008). **Manifeste siyasate khareji**. Available at: <https://bit.ly/2Lok7rA>. [In Persian]
- Hashemie Rafsanjani, A. (2013). **Neshaste barrasie moshkelate taaline eghtesadi ostane Kermanshah**. Available at: <https://www.mehrnews.com/news/2156410>. [In Persian]
- Hashemie Rafsanjani, A. (2014). Payam be hamayeshe hezbe edalat va tosee. Available at: <https://www.khabaronline.ir/detail/401012/Politics/parties>. [In Persian]
- Khalili, R. (2008). Tabeene tahavolate amniati dar jomhoorie eslamie iran. *Fasnameye motaleate rahbordī*, Vol. 11, No.2, P. 378-411. [In Persian]
- Khalili, R.; Banihashemi M.G. & Gholipour, M. (2019). Amniat va tosee. *Fasnameye siasathaye rahbordī va kalan*, No.28, P.41-60. [In Persian]
- Khamenei, S.A. (2014). **Bayanat dar didar masoolane nezam**. Available at:

- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26908>. [In Persian]
11. Khamenei, S.A. (b2015). **Bayanat dar didar farmandehane sepahe pasdaran**. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>. [In Persian]
 12. Khamenei, S.A. (j2015). **Bayanat dar didar raees va azaye majlese khobregan**. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32587>. [In Persian]
 13. Khamenei, S.A. (b2017). **Bayanat dar didar daneshjooyan va asatide**. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36930>. [In Persian]
 14. Khamenei, S.A. (a2015). **Bayanat dar didar farmandehan va karkonan artesh**. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29472>. [In Persian]
 15. Khamenei, S.A. (a2017). **Bayanat dar maraseme danesh amookhtegie daneshjooyane afsari**. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38003>. [In Persian]
 16. Khamenei, S.A. (2008). **Bayanat dar didar daneshjooyan va asatide daneshgahe elm va sanat**. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>. [In Persian]
 17. Khatami, S.M. (2014). **Sokhanrani dar didar daneshjooyan va asatide daneshgahe mofid**. Available at: <http://www.irna.ir/fa/News/81403246>. [In Persian]
 18. Khomeini, S.R. (1989). **Sahifeye Emam**. Tehran: moasese tanzim va nashre asar emam. [In Persian]
 19. Khomeini, S.R. (1979). **Didgah emam Khomeini darbareye tamadone**. Available at: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n127622>. [In Persian]
 20. Mirmohammadi, M. (2015). Naslha goftemanha va amniat . *Fasnameye motaleate rahbordi*, No.68, P. 57-84. [In Persian]
 21. Rahimi, A. (2017). **Kesha keshe demokrasi va amniate melli**. Tehran: Nashre jameeshenasan. [In Persian]
 22. Ranjbar, M. (2000). Goftemanhaye amniate melli dar jomhoori eslamie iran. *Fasnameye oloome siasi*, No.9, P. 64-91. [In Persian]
 23. Valipourzarumi, S.H. (2004). **Goftemanhaye amniate melli dar jomhoorie eslamie iran**. Tehran: Pejhuheskadeye motaleate rahbordi. [In Persian]
 24. Valipourzarumi, S.H. (1998). Goftemanhaye amniate melli dar jomhoorie eslamie iran. *Fasnameye motaleate rahbordi*, No.2, P. 63-81. [In Persian]
 25. Widdowson, H.G. (2016). **Tahlile gofteman**. Tehran: Nashre jameeshenasan. [In Persian]
 26. Zarei, B. ; Yazdanpanah, K. & Zeinivand, A. (2011). Barrasi goftemanhaye amniate melli dar jomhoori eslamie iran. *Fasnameye pajhooheshhaye joghrafiaye ensani*, Vol. 45, No.1, P. 45-64. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2020.1909581.1261

داود بخشایی، داود؛ قلی‌پور، محسن (۱۳۹۹). تحول گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی

ایران. سیهر سیاست، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۷۱-۹۶.